

نگاهی به زندگی و بررسی ویژگی های قصاید حکیم سنایی غزنوی

A Study of the Life and “Qasida” of Hakim Sanai Ghaznavi

اقراء سلیم

مربی ادبیات فارسی، دانشکده دولتی عائشه، لاهور

Abstract:

Hakim Abu al-Majd Majdud ibn Adam Sanai Ghaznavi is one of the most prominent Persian poets and mystics of the late ۵th and early ۶th centuries AH. He was among the first poets to widely introduce mystical, ethical, philosophical, and critical themes into Persian poetry, earning him a distinguished place in the history of Persian literature.

His most important mystical work is the Mathnawi Hadiqat al-Haqiqah wa Shari'at al-Tariqa, which is considered one of the earliest independent mystical works in the Mathnawi form. Besides Hadiqat al-Haqiqah, he left behind other notable works such as Sayr al-Ibad ila al-Ma'ad, Tariq al-Tahqiq, and Karnama-yi Balkh. His qasidas, ghazals, rubaiyat, fragments, and single couplets are also collected in his Divan.

Sanai's mystical and ethical thought deeply influenced great subsequent poets, including Attar of Nishapur and Rumi. By examining Sanai's life, intellectual journey, works, and poetic characteristics, this paper explores his vital role in the evolution of Persian mystical poetry.

Keywords:

Sanai Ghaznavi, Hadiqat al-Haqiqah, Mystical Poetry, Mystical Literature, Persian Literature

چکیده:

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی از برجسته ترین شاعران و عارفان زبان فارسی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. وی از نخستین شاعرانی است که مضامین عرفانی، اخلاقی، حکمی و انتقادی را به صورت گسترده وارد شعر فارسی کرد و از این جهت، در تاریخ ادبیات فارسی جایگاهی ممتاز دارد. سنایی در آغاز زندگی شاعری مدیحه سرا و وابسته به دربار بود، اما پس از تحولی روحی و فکری، از مدح پادشاهان فاصله گرفت و شعر خود را در خدمت بیان اندیشه های عرفانی، اخلاقی و اجتماعی قرار داد. مهم ترین اثر عرفانی او، مثنوی حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة است که از نخستین آثار مستقل عرفانی در قالب مثنوی به شمار می رود. سنایی افزون بر حدیقة الحقیقة، آثار دیگری چون سیرالعباد الی المعاد، طریق التحقیق و کارنامه بلخ را از خود به یادگار گذاشته است. قصاید، غزلیات، رباعیات، قطعات و مفردات او نیز در دیوان وی گرد آمده اند. اندیشه های عرفانی و اخلاقی سنایی بعدها بر شاعران بزرگی چون عطار نیشابوری و مولانا جلال الدین محمد بلخی تأثیر گذاشت. این مقاله با بررسی زندگی، سیر فکری، آثار و ویژگی های شعری سنایی، جایگاه او را در تحول شعر عرفانی فارسی بررسی می کند.

واژه های کلیدی:

سنایی غزنوی، شعر عرفانی، حدیقة الحقیقة، تصوف و عرفان، ادبیات فارسی.

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی شاعر و عارف و عاقل بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم که اهل غزنه است و به همین علت به او سنایی غزنوی می گویند. صاحب سبک و تاثیر گذار است. چون برای اولین بار عرفان را وارد شعر فارسی کرده است و به همین علت او را پدر شعر عرفانی می گویند. اثر مهم عرفانی وی مثنوی حقیقة الحقیقة است. مرقد سنایی در غزنه شرق افغانستان کنونی وجود دارد.

زمان کودکی و جوانی او در غزنین گذشت و در همین شهر علوم و معارف زمانه پرداخت. سنایی چند سال از دوران جوانی را از شهرهای بلخ و سرخس و هرات، نیشاپور گذارد. می گویند در زمانی که در بلخ بود به کعبه رفت بعد از اینکه از مکه بازگشت، مدتی در بلخ ماند. در سال (۵۱۵هـ) به غزنین برگشت (سنایی غزنوی، ۱۳۳۶ش، ص ۹).

سنایی تصوف را موضوع کلام خود ساخته است و در این باره کتابهای مفصلی نوشته شده است. پس از سنایی، نام عطار نیشابوری و جلال الدین مولوی می آید.

خانواده سنایی از خانواده های اصیل غزنه بودند و پدرش، آدم، مردی آشنا به معرفت بود. سنایی در حق پدرش، خطاب به ثقة الملک طاهر بن علی، در کارنامه بلخ گفته است. وی با دربار غزنه تعلق داشت. سنایی در جستجوی معاش به شهرهای مختلف مسافرت کرد و در خانقاه معروف عالم زمانه، محمد بن منصور سرخسی، مقیم شد. وی آخرین روزگار حیات خود را در سرخس گذراند. سنایی در جوانی، هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، چندی به

بلخ سفر کرد و این مسافرت برای جستجوی معاش بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵ش، ص ۴۰۸). مولوی در باره سنایی می گوید:

بشنو این پند از حکیم غزنوی
تا بیابی در تن کهنه ، نوی
(مولوی، ۱۳۹۰ش، ص ۸۷)

سنایی در طول زندگی خود سه مرحله (یا سه حالت) شخصیتی مختلف داشته است: نخست مداح و هجوگوی بود، سپس به وعظ و نقد اجتماعی روی آورد و در نهایت عاشق، قلندر و عارف شد. برخی می گویند که مذهب سنایی شیعه بود و برخی دیگر بر این باورند که وی از اشاعره (پیرو مذهب اشعری) بوده است.

سنایی دیوان مسعود سعد سلمان را هنگامی که مسعود در اسارت بود، گردآوری کرد. با اتمام سنایی، دیوان مسعود سعد سلمان در همان زمان ثبت و تدوین شد و این امر نیز از بزرگواری و بخشنندگی سنایی حکایت می کند. سنایی با دربار سلطان ابراهیم غزنوی و بهرام شاه غزنوی وابسته بود. او نخستین بار عرفان را به صورت جدی وارد شعر فارسی کرد؛ اگرچه صوفیان پیش از او نیز در اشعار خود مضامین عرفانی را بیان کرده بودند. تصوف سنایی، با آنکه از سخنان قلندران و اهل ملامت نیز مایه می گیرد، امری معتدل است (برزگر، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۷۸).

مولوی از او با عنوان «حکیم» یاد کرده است. از شاعران معاصر حکیم سنایی می توان به مسعود سعد سلمان، عثمان مختاری، سید حسن غزنوی، معزی،

سوزنی سمرقندی و انوری اشاره کرد. وی در محله نوآباد غزنین زندگی را بدرود گفت. یک روز پیش از مرگش دچار تب شد و روز بعد در همین شهر دنیا را وداع گفت. آرامگاه سنایی در غزنه قرار دارد و همواره زیارتگاه اهل ذوق و عرفان بوده است. مولانا جامی در نفحات الانس (جامی، بی تا، ص ۵۹۸) و حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (مستوفی، حمدالله، ۱۹۱۰م، ص ۳۹۳) سال وفات سنایی را ۵۲۵ قمری نوشته اند.

قصاید، غزلیات، رباعیات، قطعات و مفردات سنایی در دیوان اشعار وی گرد آمده است که شامل حدود چهارده هزار بیت است. حکیم سنایی هفت تا مثنوی از خود به یادگار گذاشته است.

— حقیقه الحقیقه / الهی نامه یا فخری نامه

— سیر العباد الی المعاد

— طریق التحقیق

— کارنامه بلخ یا مطایبه نامه

— چند اثر منسوب به سنایی

— عشق نامه

— عقل نامه

— مکاتیب سنایی

ویژگیهای قصاید سنایی:

قصاید سنایی غزنوی جایگاه ویژه ای در تاریخ شعر فارسی دارند. سنایی از نخستین شاعرانی است که شعر فارسی را از محدوده مدح و توصیف های

دنیوی فراتر برد و مفاهیم عرفانی، اخلاقی و حکمی را در آن گسترش داد. به همین دلیل، قصاید او از نظر موضوع و اندیشه، تأثیر مهمی در تحول شعر فارسی داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قصاید سنایی، گرایش به عرفان و خداشناسی است. شاعر در بسیاری از اشعار خود انسان را به شناخت خداوند، پاکی دل، دوری از گناه و توجه به معنویات دعوت می‌کند. مفاهیم عرفانی در شعر او معمولاً با اندیشه‌های اخلاقی و دینی همراه است.

پند و اندرز و بیان مسائل اخلاقی نیز بخش مهمی از قصاید سنایی را تشکیل می‌دهد. او انسان را به خرد، دانش، قناعت، نیکوکاری و پرهیزگاری دعوت می‌کند و از حرص، غرور، دنیاپرستی و وابستگی به امور مادی برحذر می‌دارد (زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۲ش، ص ۲۳۳).

از ویژگی‌های برجسته شعر سنایی، انتقاد از ریا و ظاهرگرایی است. او میان حقیقت دین و ظواهر دینی تفاوت قائل می‌شود و کسانی را که تنها به ظاهر عبادت توجه دارند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. این نگاه انتقادی نشان‌دهنده توجه عمیق شاعر به اصلاح اخلاق و جامعه است.

در قصاید سنایی، مضامین دینی و قرآنی نیز به فراوانی دیده می‌شوند. او از آیات، احادیث، داستان‌های دینی و مفاهیم اسلامی برای بیان اندیشه‌های خود بهره می‌گیرد. این موضوع سبب شده است که شعر او از نظر فکری با فرهنگ و معارف اسلامی پیوندی عمیق داشته باشد.

از نظر سبک و زبان، قصاید سنایی از زبانی استوار، فصیح و پرمایه برخوردارند. او برای بیان اندیشه‌های خود از تشبیه، استعاره، تمثیل، کنایه و دیگر آرایه‌های ادبی استفاده می‌کند. در بسیاری از موارد، مفاهیم دشوار عرفانی و حکمی را با استفاده از مثال و تصویرهای ادبی برای مخاطب روشن‌تر می‌سازد.

یکی دیگر از ویژگی‌های قصاید سنایی، ترکیب حکمت، عرفان و اخلاق است. او تنها به بیان اندیشه‌های عرفانی نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند از طریق شعر، انسان را به خودشناسی، خداشناسی و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی هدایت کند (عوفی، سدید الدین محمد، ۲۰۱۹م، ص ۴۳).

در مجموع، قصاید سنایی غزنوی را می‌توان نمونه‌ای برجسته از پیوند شعر، عرفان، اخلاق، حکمت و اندیشه‌های دینی دانست. سنایی با وارد کردن این مضامین به شعر فارسی، زمینه را برای رشد و گسترش شعر عرفانی در دوره‌های بعد فراهم کرد و بر شاعران بزرگی چون عطار و مولانا تأثیر گذاشت.

قصاید او از نمونه‌های برجسته شعر اجتماعی، اخلاقی و عرفانی به شمار می‌روند. اندیشه زهد و عرفان نیز از مهم‌ترین محورهای موضوعی در قصاید سنایی است. سنایی حال و هوایی تازه و ویژه انسان روزگار نو را در قالب قصیده پارسی شکل می‌دهد.

وارد کردن حال و هوایی تازه به درون این نظام، کاری بود که به‌دست سنایی انجام گرفت و ستون فقراتِ خلاقیتِ او را در قصیده تشکیل داد. پس از

سنایی تا روزگارِ ملک الشعراء بهار، کمتر قصیده‌سرایی توانسته است چنین حال و هوای تازه‌ای در قالب قصیده ایجاد کند.

حکیم سنایی از آغاز در طرزِ فرخی و منوچهری قصیده گفته است، ولی در کلام وی پختگی و برجستگی بسیار به چشم می‌خورد و در برخی جاه‌ها نوآوری و جدت نیز وجود دارد.

سنایی اولین شاعر است که وی برای بیان کردن اسرار و رموز تصوف شاعری را وسیله ساخته است. ابو السعید ابو الخیر رحه نیز تأثرات عارفانه در رباعیات مطرح کرده است. ولی در کلام تصوف هیچ مستقل تصنیف نیست. به خلاف آن همه مثنوی‌هایی حکیم سنایی مستقل تصنیف اسرارورموز است (صفا، ۱۳۶۷ش، ص ۶۴۲).

قدیمی‌ترین پادشاهی که مدح وی در دیوان سنایی دیده می‌شود، مسعود بن ابراهیم است. سنایی مردی فاضل و لطیف طبع بود. برخی از صاحبان تذکره (تراجم)، سنایی را شاگرد و مریدِ شیخ ابویوسف همدانی دانسته‌اند.

قول بعضی از تذکره نویسان:

دولت شاه سمرقندی:

چون از غزنین به خراسان آمد دست ارادت در دامن تربیت شیخ المشایخ ابو یوسف همدانی قدس سره زد و در خلوت نشست و عزلت اختیار کرد. (همان،

ص ۵۵۶)

از مقدمه کتاب از قول سید اشرف:

سنایی را از آن دسته از شاعران بلند طبع شمرده است که دست توفیق کس در تقلید به شعر آن نرسد. (همانجا)

عوفی در لباب الالباب:

استاد الحكماء ختم الشعراء سنایی که در دیده حکمت روشنایی بود. و در حدقه بینایی سنایی چون قلب او همه موانس بود. به قلب انس منسوب شد (سنایی غزنوی، ۱۳۳۶ش، ص ۳).

دولت شاه سمرقندی در تذکره الشعراء:

حکیم از بزرگان دین و اشرف روزگار است به همه زبانها ستوده و در مذهب فقر آن چاشنی که در حق جل جلاله او را ارزانی داشته در صفت نگنجد (همانجا).

آذر در دانش کده:

حکیم سنایی دلش منبع فیض عرفان جانش مخزن حکمت و ایقان و بینش نزد حکماء فیلسوف است (همانجا).

کتاب شناسی و منابع:

- برزگر، (۱۳۷۸ش)، "سنایی غزنوی"، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان (ویراستار حسن انوشه)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- جامی، عبدالرحمن، (بی تا)، نفحات الانس، به تصحیح مهدی توحیدی پور، انتشارات کتابفروشی محمودی
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲ش)، آشنایی با نقد ادبی، چاپخانه مهارت، تهران

- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم، (۱۳۳۶ش)، دیوان سنایی غزنوی (مقدمه و شرح بدیع الزمان فیروزانفر)، انتشارات نگاه، تهران
- شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۵ش)، تازیانه های سلوک، چاپ هفدهم، انتشارات نگاه، تهران
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۷ش)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ هشتم، چاپخانه کیهان، تهران
- عوفی، سدید الدین محمد، (۲۰۱۹م)، لباب الالباب، به کوشش پروفسور براؤن و محمد قزوینی، کتاب فروشی فخر رازی، تهران
- مستوفی، حمدالله، (۱۹۱۰م)، تاریخ گزیده، به تصحیح پروفسور براؤن، چاپخانه دو هزار، تهران
- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۹۰ش)، مثنوی معنوی، به تصحیح نیکلسون، انتشارات هرمس، تهران